

قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریهٔ صدور فرهنگی انقلاب (با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه)

ناصر جمال زاده^۱

چکیده

قدرت انقلاب ایران نه به خاطر قدرت نظامی یا اقتصادی آن، بلکه به خاطر وجه فرهنگی و معنوی آن است. انقلاب اسلامی ایران یک مصداق از مصادیق گفتمان معنویت خواهی در سیاست یا حضور دین در سیاست است که امروزه نمود عملی این خواسته و تکرار آن را در قیامهای کشورهای مسلمان که به نام بیداری اسلامی خوانده می شود، شاهد هستیم. این مطالبه در کشورهای اسلامی از راه قهر و زور به آنها منتقل نشده است، بلکه این همان قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است که ریشه در اعتقادات اسلامی مشترک همهٔ مسلمانها دارد و به صورت غیرمستقیم در این کشورها باعث خیزشهای اسلامی شده است و همچنان ادامه دارد. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در چه ویژگی‌هایی از آن نهفته است و چگونه در انقلابهای منطقهٔ عربی و شمال آفریقا نمود یافته است. فرضیه ای که در این رابطه مطرح می شود، عبارت است از: «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در ایدئولوژی اسلامی آن و تبلیغ حضور معنویت در سیاست نهفته است که در انقلاب ایران توسط امام خمینی کشف و به دنیا اعلام شد و با شروع این جنبشها در کشورهای اسلامی این قدرت توسط مردم این کشورها فهم و تبدیل به موج بیداری اسلامی شد و ظهور آن را در شعارها و اقدامات عملی انقلابیون در این کشورها می توان مشاهده کرد». این فرضیه بر پایهٔ چارچوب نظری صدور فرهنگی انقلاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: نظریهٔ فرهنگی انقلاب، قدرت نرم، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی

Email: jamalzadeh@yahoo.com

۱- دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۳

مقدمه

شاید اغراق نباشد اگر ادعا کنیم آنچه انقلاب ایران را از سایر انقلابها متمایز ساخته است، بُعد فرهنگی و جنبه‌های نرم افزارگرایانه آن می باشد. در زمانی که در انقلابهای دیگر هم عصر این انقلاب، جهانیان حداکثر نظاره‌گر ابعاد مادی انقلابها نظیر رهایی از استبداد و کسب آزادی و تأمین معاش و مسکن بودند، وقوع چنین انقلابی با داعیه مذهبی و دینی که قدرت بسیج همگانی را داشته باشد، روی دیگر سکه انقلابها را نشان داد که یک انقلاب می تواند بر پایه قدرت معنوی و غیر مادی دین نیز استوار باشد و به پیروزی برسد. امری که در آن زمان غریب می نمود و باعث تعجب همگان بود که در قرن بیستم، قرن حاکمیت علم و تکنولوژی، قرن حاشیه نشینی دین در خلوت دلها و دوری دین از صحنه اجتماع و سیاست، به ناگهان در گوشه‌ای از دنیا مردی از جنس عالمان دین و مرجع شیعیان، هدف از انقلاب خود را انقلاب برای اسلام اعلام کند آنهم در کشوری که شاه آن به دنبال تقلید کامل از غرب و فرهنگ غربی بود و مظاهر تمدن غربی را تمام و کمال تبلیغ و اجرا می کرد. این همان حکایت بُعد نرم افزاری انقلاب است که تا آن زمان از دیده‌ها پنهان مانده بود و با انقلاب ایران در مطالعات مربوط به انقلابها خود را آشکار کرد. از این رو می توان گفت که انقلاب ایران انقلابی بر پایه قدرت نرم بود که توانست با قدرت سخت تا دندان مسلح رژیم پهلوی فائق آید و برتری قدرت نرم ایمان مذهبی را بر قدرت سخت اسلحه و تانگ و مهمات به اثبات رساند. میشل فوکو فیلسوف فرانسوی در تحلیل خود از انقلاب اسلامی ایران بر همین نکته تأکید می کند و شاه و قدرت سرکوب آن را مظهر قدرت سخت و خشونت می داند و در مقابل قدرت تجمیع شده مردم را که بر پایه اسلام ایجاد شده است و اراده عمومی را شکل می دهد، جنبه نرم افزاری قدرت می خواند: « آنچه در ایران مرا شگفت زده کرده است، این است که مبارزه‌ای میان عناصر متفاوت وجود ندارد. آنچه به همه اینها زیبایی و در عین حال اهمیت می بخشد، این است که فقط یک رویارویی وجود دارد: رویارویی میان تمام مردم و قدرتی که با سلاح‌ها و پلیس مردم را تهدید می کند. لازم نیست خیلی دور برویم، این نکته را می توان بی درنگ یافت؛ در یک سو، کل اراده مردم و در سوی دیگر، مسلسل‌ها قرار دارند» (فوکو، ۱۳۷۹: ۵۶ - ۵۸).

این قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در چارچوب کلی گفتمان اسلامی و در قالب آموزه‌های مذهب شیعه عمل کرد و باعث پیروزی بر یک رژیم مستبد و وابستهٔ غربی شد. امروز پس از گذشت سی و سه سال از این انقلاب و حرکت پیروزمندانهٔ آن در دریای متلاطم سختی‌ها و فشارهای داخلی و خارجی همچنان در قالب همان گفتمان اسلامی در حال حرکت است و پیام قدرت نرم انقلاب خویش را به جهان و به ویژه به کشورهای مسلمان مخابره و اعلام می‌کند که می‌توان با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، حکومت تشکیل داد و بدون وابستگی به قدرتهای سلطه‌گر آن را اداره کرد. حرکتی که در انقلابهای کشورهای عربی و شمال آفریقا از تونس شروع شد و بعد از آن کشورهای مصر و یمن و بحرین را درنوردید و همچنان این نهضتها در حال تکثیر و گسترش هستند، در واقع بازسازی همان قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است که در این کشورها در حال وقوع می‌باشند و باعث شده است تا بسیاری از تحلیل‌گران را وادار به مشابهت‌سازی این انقلابها با انقلاب ایران رهنمون کند. این مقاله در پی آن است تا نشان دهد بیداری اسلامی در منطقهٔ عربی و کشورهای اسلامی که این روزها در جریان است ادامهٔ قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است که سی و اندی سال پیش در چارچوب گفتمان اسلامی و با تکیه بر حضور معنویت و دین در سیاست اتفاق افتاد و فارغ از ادعاهای گفتمان لیبرال دموکراسی‌های غربی است که کشورهای غربی سعی در اثبات آن دارند و می‌خواهند این حرکتها را تلاش ملتها در راستای تحقق نظامهای لیبرال دموکراسی غربی نشان دهند. آنها قصد دارند چنین وانمود کنند که مردمان این کشورها فقط دیکتاتورهای خود را از مسند حکومت به زیر کشیده‌اند و هیچ تلاشی از جانب انقلابیون برای سلطهٔ آموزه‌های دینی و اسلامی در حکومت انجام نگرفته است. امری که در همین مدت محدود که از پیروزی این انقلابها در تونس و مصر و لیبی می‌گذرد، خلاف آن ثابت شده است و شواهد و قرائن نشان از آن دارد که احزاب و گروه‌های اسلامی در این کشورها به پیروزی رسیده‌اند.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث پیدایش نظریه‌ای در نظریات عام انقلابها تحت عنوان «نظریه فرهنگی انقلابها» (شجاعیان، ۱۳۸۲) شد که به واقع تجلی همان قدرت نرم انقلاب ایران است که ریشه در اعتقادات اسلامی و دینی دارد و باعث شد تا هم نظریه پردازان انقلاب به این جنبه از انقلابها توجه کنند و هم ادبیات مربوط به این نظریه که تا قبل از انقلاب ایران

بسیار فقیر بود، غنی شود و امروزه شاهد صدها کتاب و مقاله درباره انقلاب ایران باشیم که از منظر فرهنگی به تحلیل این انقلاب می‌پردازند؛ زیرا بر هیچ ناظری پنهان نیست که وجه غالب این انقلاب وجه فرهنگی آن است. همین امر باعث شده است که اخیراً در درون نظریات فرهنگی انقلاب، نظریه‌ای تحت عنوان «مذهب عامل انقلاب» جای خود را در بین نظریات انقلاب باز کند و کسانی از اندیشمندان داخلی و خارجی در تحلیل انقلاب‌ها این تئوری را به‌عنوان مبنای نظری تحلیل خود قرار دهند (بوت، ۱۳۷۳: ۵۴-۴۵۳).

شاید همین بُعد فرهنگی و نقش مذهب در انقلاب ایران است که آن را از سایر انقلاب‌ها متمایز کرده و باعث شده است تا نظریه‌پردازان انقلاب در آثار خود در تبیین انقلاب اسلامی ایران بر عنصر ایدئولوژی تأکید کنند و مشکل اساسی نظریه‌های عام انقلاب‌ها را در ناکامی آن‌ها در جدی گرفتن ایدئولوژی در توجیحات مربوط به عوامل و فرایندهای انقلاب بدانند. منصور معدل در این رابطه می‌نویسد:

«مشکل اساسی در تمامی نظریه‌های انقلاب ناشی از ناکامی آن‌ها در جدی گرفتن ایدئولوژی در توجیحات مربوط به عوامل و فرایندهای انقلاب است. ایدئولوژی، عامل پدیدآورنده انقلاب است. ایدئولوژی به انقلاب چهره پدیدهای را می‌دهد که متمایز از مبارزه معمول بر سر قدرت است. انقلاب صورت خاصی از کنش تاریخی است. کنشی که ایدئولوژی بدان شکل بخشیده است.» (معدل، ۱۳۷۷: ۳۴۰)

به‌همین جهت است که مشاهده می‌کنیم بعد از وقوع انقلاب در ایران از اوایل دهه ۱۹۸۰ سمت و سوی نظریه‌پردازی در خصوص انقلاب‌ها متوجه کانون «فرهنگ» شد و از سلطه نظریات ساختاری انقلاب‌ها که در دهه ۱۹۷۰ توسط کسانی مانند اسکاچ پل در کتاب معروف «دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی» (اسکاچ پل، ۱۳۸۶) که سوار بر موج ساختارگرایی با تکیه بر دولت و طبقه و اقتصاد سیاسی حرکت می‌کرد، رهایی یافت و مسیر جدیدی را با تکیه بر عنصر فرهنگ و ایدئولوژی آغاز کرد. از این زمان به بعد، به جز نظریه‌پردازان انقلاب که در کتب و مقالات خود به صورت خاص به عنصر فرهنگ و ایدئولوژی توجه کردند، مرکز ثقل کتاب‌های درسی مربوط به انقلاب‌ها در دانشگاه‌ها نیز در رشته‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی که در دو دهه اخیر به رشته تحریر درآمده‌اند، به ادعای نویسندگان آن‌ها بر روی عنصر فرهنگ و

ایدئولوژی در انقلاب‌ها معطوف گشت. کتاب‌های درسی جان فورن^۱ تحت عنوان «نظریه‌پردازی انقلاب‌ها» و جک گلدستون^۲ تحت عنوان «مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها» (گلدستون، ۱۳۸۵) از آن جمله‌اند. به‌عنوان نمونه، جان فورن در کتاب خود می‌نویسد: «در تمامی فصول این کتاب، فرهنگ را به مرکز مطالعه انقلاب‌ها فراخوانده و برنامه کار خود را از بررسی‌های ساختارگرایی محض جدا کرده است» (فورن، ۱۳۸۴: ۲۷۲).

سؤال اساسی برای این دسته از اندیشمندان این بود که جایگاه فرهنگ و ایدئولوژی در انقلاب‌ها کجاست و چه ارتباطی می‌تواند با دولت و ساختار اجتماعی داشته باشند؟ اساساً فرهنگ و ایدئولوژی چگونه می‌توانند سؤال‌های همیشگی انقلاب‌ها را که عبارت از آن است علل و پیامدهای انقلاب چیست، توضیح دهند. امروزه، گرایش «جامعه‌شناسی فرهنگ» که از دههٔ ۱۹۸۰ در دانشگاه‌های آمریکا رو به گسترش نهاده است، به این حوزه توجه کرده است (فورن، ۱۳۸۴: ۲۷۰). از جمله نظریه‌پردازانی که به‌طور مشخص انقلاب‌ها را از منظر فرهنگ تحلیل کرده‌اند، ویلیام سیوول، تدا اسکاچپول، جان فورن و فریده فرهی را می‌توان نام برد. فریده فرهی در تحلیلی که از انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه ارائه می‌کند معتقد است که نقش عقاید را نمی‌توان در این دو انقلاب نفی کرد. نقش کلیدی اسلام و الهیات آزادی بخش در این دو انقلاب بر همه آشکار است. در ایران و نیکاراگوئه، در فرایند عکس‌العمل به نیازهای متغیر اجتماعی، دستورالعمل مذهبی گسترش پیدا کرد و خود را به مرکز کشمکش‌های سیاسی کشاند (فرهی، ۱۳۷۵: ۱۹۱). همچنین، جان فورن با کمک از مفهوم «فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و مخالفت» در تحلیل انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه و السالوادور سعی دارد نشان دهد که نیروهای اجتماعی چگونه این فرهنگ‌ها را تفسیر و بازسازی می‌کنند (فورن، ۱۳۸۴: ۲۷۵-۲۷۷).

با این مقدمه، سؤال این است که اولاً نمود قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در چه ویژگی‌هایی از آن نهفته است و آیا نظریه پردازان انقلاب به این ویژگی انقلاب توجه داشته‌اند و ثانیاً در انقلاب‌هایی که در منطقهٔ کشورهای عربی و شمال آفریقا در حال جریان است، می‌توان شواهدی از تأثیر پذیری از این جنبهٔ قدرت نرم انقلاب ایران یافت. پاسخ به این دو سؤال، هدف اصلی نگارش این مقاله است. فرضیه ای که در پاسخ به این سؤالات مطرح

1 - John Foran

2 - Jack Goldston

می‌شود، عبارت است از: «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در ایدئولوژی اسلامی آن و تبلیغ حضور معنویت در سیاست نهفته است که در انقلاب ایران توسط امام خمینی(ره) کشف و به دنیا اعلام شد و با شروع این جنبشها در کشورهای اسلامی این قدرت توسط مردم این کشورها فهم و تبدیل به موج بیداری اسلامی شد و ظهور آن را در شعارها و اقدامات عملی انقلابیون در این کشورها می‌توان مشاهده کرد». این فرضیه بر پایه چارچوب نظری صدور فرهنگی انقلاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

چارچوب نظری

نظریه پردازان انقلاب مبحث صدور انقلاب را یکی از مباحث ذاتی انقلابها می‌دانند زیرا هر انقلابی که در هر گوشه ای از دنیا اتفاق بیفتد حتی اگر ایدئولوژی جهان شمولی هم نداشته باشد حداقل بر اساس نظریه پخش یا اشاعه^۱ بر روی کشورهای همجوار خود تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحولاتی انقلابی در آنها خواهد شد؛ همانگونه که وقوع انقلاب ایران موجب بروز ناآرامی‌هایی در عراق و بحرین و عربستان در همان روزهای اول پیروزی انقلاب شد(اسپوزیتو، ۱۳۷۸ و افتخاری، ۱۳۷۷). در زمینه صدور انقلاب اسلامی ایران نیز امروزه کتب و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده است که نظریات و دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران را در این زمینه منعکس کرده اند. در این رابطه، دو نظریه مطرح است: یکی صدور فیزیکی انقلاب که به دنبال ایجاد انقلاب مستمر در کشورهای دیگر است و دیگری صدور فرهنگی انقلاب که از آن به انقلاب مستقر یا نظریه ام القری یاد می‌شود و به جای صدور فیزیکی و خشونت آمیز انقلاب بر عناصر فرهنگی و صدور ارزشهای انقلاب تأکید دارد(خرمشاد، ۱۳۹۱، دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، فلاح نژاد، ۱۳۸۴، رضائی، ۱۳۷۸، اسپوزیتو، ۱۳۷۸، رجایی، ۱۳۷۳). چارچوب نظری این مقاله برای بررسی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر پایه نظریه صدور فرهنگی انقلاب استوار است؛ منظور از صدور فرهنگی انقلاب عبارت است از تشریح و ترویج اهداف، آرمان‌ها، آموزه‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی به مردمان مشتاق است؛ به طوری که مقوله صدور

۱- این نظریه یکی از نظریات رایج در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست هرچند خاستگاه اولیه آن در رشته جغرافیای سیاسی است که از سوی هاگر استرند(Hager Strand) جغرافی دان سوئدی در سال ۱۹۵۳ در خصوص چگونگی گسترش جغرافیای سل گاوی به کار گرفته شد و بعدها در علوم انسانی و از آن جمله بازتاب انقلابها به کار گرفته شد (رک، برزگر، ۱۳۸۲).

بیش از آنکه ناشی از عرضه از سوی جمهوری اسلامی باشد، معلول تمنا و تقاضای ملل دیگر برای شناخت و الگو برداری از انقلاب اسلامی می‌باشد و از این‌رو صدور انقلاب اسلامی متضمن ایجاد انقلاب فیزیکی در سایر کشورها و جوامع نیست، بلکه صدور انقلاب استعراهی برای اشاعه ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام‌رهایی بخش و آزادیبخش آن به انسان‌های علاقه‌مند می‌باشد. فرایندی که الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف خواهد بود تا به همان غایتی رهنمون شوند که ملت ایران آن را تجربه کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۹).

صدور فرهنگی انقلاب در کشورهای مسلمان بر پایهٔ مؤلفه‌های ایدئولوژی اسلامی و ترویج حضور معنویت در سیاست استوار است که ارزشهای اسلامی و انسانی را مانند عدالت طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، حمایت از مستضعفین و محرومین را از طریق آگاهی بخشی ملت‌های دیگر و آشنا کردن آنها به حقوقشان دنبال می‌کند.

ایدئولوژی اسلامی که منبع اصلی قدرت نرم انقلاب ایران است، ذاتاً خصلتی فرهنگی دارد و زبان مشترک مسلمانان جهان است که فراهم‌کنندهٔ همان ویژگی فراملی انقلاب ایران است و می‌تواند از این طریق با مسلمانان جهان ارتباط برقرار کند و ارزشهای معنوی و دینی و سیاسی خود را به آنها منتقل کند؛ زیرا مسلمانان جهان از کانال زبان مشترک دین بهتر مشتری متاع فرهنگی انقلاب خواهند شد تا یک فرد مسیحی و یا یک فرد مستضعف تحت ستم که اعتقادی به ادیان الهی ندارد. با بهره‌گیری درست از این مزیت است که می‌توان مروج ارزش‌هایی چون عدالت محوری، آزادی طلبی، استقلال‌گرایی و توجه به مردم‌سالاری دینی شد و بالندگی دوبارهٔ مسلمانان را به آنان بازگرداند.

طریق انتقال این ارزشها به کشورهای دیگر و از جمله کشورهای مسلمان آگاهی بخشیدن به آنها با استفاده از رسانه‌های جمعی مثل صدا و سیما و مطبوعات و کتاب و سینما و نهادهای تبلیغی کشور مانند حوزه‌ها و سازمان تبلیغات اسلامی و سایر دستگاه‌های رسمی مانند وزارت ارشاد اسلامی و وزارت خارجه است که می‌توانند در سیاست خارجی نقش ایفا کنند. از این طریق می‌توان مسلمانان را از حقوقی که توسط حاکمان ستمگر و نظام‌های استعمارگر نادیده گرفته شده است، آگاه کرد. کشورهایی که سال‌های متمادی به وسیلهٔ دیکتاتورهای وابسته به قدرتهای بزرگ اداره می‌شدند و استقلال آنها توسط استعمارگران به زیر پا گذاشته می‌شد و

همچون ملل مستضعف با آنها رفتار می‌شد و ثروتهای ملی آنها به یغما می‌رفت و هویت دینی آنها انکار می‌شد. در نتیجه این آگاهی بخشی که از ثمرات انقلاب ایران است، بیداری اسلامی در ملل مسلمان اتفاق می‌افتد تا بتوانند با تکیه بر هویت اسلامی خود از زیر سلطه نظامهای وابسته غربی رهایی یابند و با اعتماد به نفس و به تاسی از انقلاب ایران بر باورها و سنتهای دینی و بومی خود عمل کنند تا بتوانند استقلال و آزادی خود را به دست آورند. این همان پیام فرهنگی انقلاب ایران است که امام خمینی و رهبر فرزانه انقلاب در طول گذشت بیش از سی سال از پیروزی انقلاب ایران سعی کردند به جهانیان و ملل مسلمان بفهمانند؛ امری که به نظر می‌رسد در جریان انقلابهای کشورهای عربی و شمال آفریقا به تازگی فهم شده است و هر چه زمان می‌گذرد بر عمق آن افزوده می‌شود و این همان معنای صدور فرهنگی انقلاب ایران است که جزیی از قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران به حساب می‌آید. ما این معنا از صدور انقلاب را که مبتنی بر آگاهی بخشی ملل مسلمان و مستضعف است، در سخنان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران می‌یابیم:

اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشور گشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورهای باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملتها و در همه دولتها بشود. آرزوی ما این است. معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولتها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد، به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهد (صحیفه نور، ج ۱۷: ص ۲۴۹).

همین مطلب را که ما باید ملل دنیا را از مؤلفه‌های فرهنگی و ارزشهای انقلاب ایران آگاه کنیم، به زبان دیگر رهبر جمهوری اسلامی ایران آیت الله خامنه‌ای بیان کرده‌اند:

امروز در دنیا برای اثرگذاری کارها، پی در پی تئوری‌های فکری ساخته و پرداخته و القاء می‌شود؛ برای اینکه ذهن‌ها - که مخاطب، و آماج این حمله فکری و معنوی هستند - خاضع و قانع و تسلیم شوند، تا آنها بتوانند با امکان مادی و ثروتی که در

اختیار دارند، به مقاصد خود برسند. ماییم و تفکر و معارف اسلامی، ماییم و پیام انقلاب اسلامی؛ ما باید بتوانیم اینها را درست به دنیا برسانیم ... ما باید بتوانیم مفاهیم و معارف اسلامی و آنچه را که متعلق به ماست، بیان کنیم. البته، باید با لحن و بیان روشنفکرانه و کاملاً مترقی و با استفاده از واژگان متناسب با هر دوره و زمان باشد (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۰/۱۱/۱۷).

مؤلفهٔ دیگر قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران حضور معنویت در سیاست است که نویسندگان زیادی آن را گفتمان غالب انقلاب اسلامی ایران دانسته اند. این مؤلفه نه تنها برای کشورهای اسلامی منطقه که زیر سلطهٔ قدرتهای مستبد و وابستهٔ غربی هستند، حرف جدید برای گفتن دارد و قابل استفاده است که برای نظامهای غربی فرو رفته در زندگی مادی و تهی از معنویت نیز حامل پیام جدید است. بنابراین، براساس چارچوب نظری الگوی صدور فرهنگی انقلاب، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در سطح کشورهای اسلامی بر اساس مؤلفه های ایدئولوژی اسلامی و معنویت سیاسی قابل بررسی است که از طریق آگاهی بخشی به آنها منجر به بیداری اسلامی در این کشورها می شود که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۱- ایدئولوژی اسلامی

یکی از منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران که بر محمل آن ارزشها و پیامهای انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای مسلمان قابل انتقال است، ایدئولوژی مشترک اسلامی است که عامل وحدت بخش همهٔ مسلمین جهان فارغ از هرگونه فرقه و مذهب است؛ زیرا همهٔ آنها در مقابل یک پروردگار نماز می گذارند و روزه می گیرند و اعمال حج به جای می آورند و از یک قرآن و یک پیامبر دستور می گیرند و اینها برای ایجاد ارتباط بین الاذهانی مسلمانان کافی است و آنها را به یکدیگر نزدیکتر می کند، مخصوصاً وقتی مسائل سیاسی آنها نیز با یکدیگر مشترکاتی داشته باشد؛ مثل اینکه همهٔ آنها از حاکمان مستبد و وابستهٔ به قدرتهای خارجی و حضور استعمار در کشورهایشان که ثروتهای ملی آنها را به یغما می برد و آنها را تحقیر می کند رنج می برند. همین ایدئولوژی اسلامی که مبنای فکری انقلاب اسلامی ایران است، کافی است برای اینکه نتواند درون مرزهای جغرافیایی خود محدود شود. از همین روست که اسپوزیتو، متفکر غربی، در کتاب خود تحت عنوان «بازتاب انقلاب اسلامی ایران» بر این جنبه از انقلاب

ایران پای می‌فشرد و یکی از علل بازتاب داشتن انقلاب ایران را در همین خصلت اسلامی انقلاب ایران جستجو می‌کند:

انقلاب ایران با الهام از ایدئولوژی اسلامی، که داعیه‌دار سعادت و خوشبختی تمام جهانیان است، طبیعی بود که نتواند در محدوده جغرافیایی ایران توقف نماید و می‌بایست پیام آن و امواجش در درجه اول، به ملل مسلمان کشورهای همسایه و سپس به همه ملل مستضعف جهان برسد. از این رو، صدور انقلاب از همان روزهای نخست، مورد توجه مسوولان قرار گرفت و بدین سان، صدور انقلاب به مفهوم صدور اندیشه و عقاید انقلاب، که منبعث از دین مبین اسلام است، در برنامه کار انقلابیان قرار گرفت (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۶۱).

اساساً، این مطلب که انقلاب ایران را به دلیل ماهیت ایدئولوژیکی که دارد نمی‌توان در مرزهای داخلی آن محصور کرد، در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به آن تصریح شده است:

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند (قانون اساسی، ۱۳۶۸، اصل ۱۵۴).

همین معنا از قدرت نرم انقلاب ایران را که در سیاست خارجی نمود می‌یابد و قدرت تأثیرگذاری بر سایر جوامع را پیدا می‌کند. در سخنان بنیانگذار جمهوری اسلامی به کرات می‌توان مشاهده کرد که به یک نمونه از آنها اشاره می‌کنیم. امام (ره) می‌فرمایند:

ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم. جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد؛ حتی در کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم (ص) اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده، محصور نبوده به عربستان، دعوتش مال همه عالم است (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۱۵).

۲- معنویت در سیاست به مثابهٔ قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران

یکی از جامع‌ترین تعاریفی که از قدرت نرم شده است، تعریفی است که جوزف نای ارائه کرده است؛ او قدرت نرم را عبارت از «توان شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق قدرت جذابیت» (نای، ۱۳۸۷: ۴۳) می‌داند که در فرهنگ، ارزشها و سیاست خارجی یک کشور متجلی می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۵۱). مسلم است که توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران نیازمند یک کار فرهنگی است و از طریق تأثیرگذاری بر ذهن و روان مخاطبان انجام می‌پذیرد و آنها را قانع می‌سازد که موضوعی را بپذیرند یا مانند آن عمل کنند و به هیچ وجه چنین امری از طریق کاربرد زور فیزیکی امکان‌پذیر نخواهد شد. به عنوان مثال، اگر در تظاهرات ضد حکومتی مصر و بحرین مردم از شعارهای الله اکبر و لاله‌الاله به تأسی از انقلاب ایران استفاده کردند و یا در انتفاضهٔ اول و دوم فلسطین، مردم از سازش گروه‌های فلسطینی به ستوه آمدند و به تبعیت از انقلاب ایران از سنگ در مقابل توپ و تانک‌های دشمن اسرائیلی استفاده کردند و نام آن را ثوره‌الحجاره نامیدند، در واقع قبول ذهنی و پذیرش این عمل انقلابیون ایران توسط انقلابیون این کشورها است که این همان معنای قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است که بدون کاربرد زور و تنها به خاطر این که این عمل مورد رضایت انقلابیون است و آن را راه مناسبی برای بیان خواستهٔ خود می‌یابند، بدان کار مبادرت ورزیده‌اند. بنابراین، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در ماهیت فرهنگی آن نهفته است که می‌تواند توسط کشورهای هم‌آیین مورد بهره‌برداری قرار گیرد که در ادامه به بررسی آرای رهبران انقلاب ایران و چند تن از اندیشمندان داخلی و خارجی که انقلاب ایران را از این منظر نگریسته‌اند، خواهیم پرداخت.

۲-۱- امام خمینی(ه)

حضرت امام خمینی(ره)، به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، ویژگی خاص انقلاب ایران را که آن را از سایر انقلابها متمایز می‌کند در وجه اسلامی و حضور معنویت در آن ارزیابی می‌کنند و معتقد هستند که انقلاب ایران قیام برای تحقق ارزشهاست و مردم ایران چون خواهان اسلام و حضور دین در سیاست و حکومت خود بودند و از تفکر غربی و سلطهٔ بیگانگان در کشور خود بیمناک بودند، با انقلاب خود توانستند هم اسلام را به متن زندگی سیاسی خود بیاورند و هم استقلال خود را تضمین کنند و دست اجانب را از کشور خود کوتاه کنند؛ امری که

به اعتقاد وی باید در سایر ملل اسلامی نیز اتفاق بیفتد که البته این امر با فاصله و پس از گذشت حدود سی سال در این کشورها در حال وقوع است. ایشان در این رابطه می فرمایند:

ما می خواهیم معنویت انقلاب اسلامی مان را به جهان صادر کنیم ما که می گوییم انقلاب می خواهیم صادر کنیم، می خواهیم این مطلب را، به همین منبایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می خواهیم این را صادر کنیم... ما نمی خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم... ما می خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی مان را، انقلاب اسلامی مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۸۰-۲۸۳)

ایشان در ارتباط با صدور ارزشهای انقلاب که باید مورد توجه کشورهای اسلامی قرار گیرد و به دنبال قیامی مانند انقلاب ایران باشند، این گونه می فرمایند:

ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی استقلال کاملاً پشتیبانی می کنیم و به آنان صریحاً می گوییم که حق گرفتنی است. قیام کنید و ابرقدرتها را از صحنه تاریخ روزگار براندازید... ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است (صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۶۶)

۲-۲- آیت الله خامنه‌ای

حضور معنویت در سیاست در سخنان رهبر فرزانه انقلاب نیز متجلی شده است. ایشان نیز رمز پیروزی انقلاب را در تکیه بر ارزشهای اسلامی و معنویت دینی مردم و تقوا و اخلاص بنیانگذار انقلاب می دانند.

اگر امام (ره) آن عوامل اصلی معنویت، ارتباط با خدا، کار برای رضای او، تقوا و انجام تکلیف را نمی داشت، نه انقلاب به پیروزی می رسید، نه شما مردم این گونه عاشقش می شدید، نه می توانست این طوفان را در دنیا به وجود آورد، و نه قادر بود در مقابل تهدید و ارعاب دشمن، مثل کوه بایستد (مقام معظم رهبری: ۱۳۶۸/۰۳/۱۸).

اگر این امت مسلمان و مؤمن و خداجوی و امام دوست و مرید آن رهبر عظیم الشان و عالی مقام و شایسته، در کارهایشان قصد خدا نمی داشتند و نیت‌های دنیاطلبانه و هواهای نفسانی و اغراض فردی و گروهی و غیره، بر اعمال و رفتارشان حاکم می بود، این انقلاب به این جا نمی رسید. آنچه انقلاب را به این جا رساند، همان ایمانهای پاک و خالص و نیت‌های صادق و

روحهای سرشار از اخلاص و صفا بود. از حالا به بعد هم همین طور است.» (مقام معظم رهبری: ۱۳۶۹/۰۸/۰۲)

ایشان در جای دیگر، راز ماندگاری و تأثیرگذاری انقلاب ایران را در اسلام و ارزشهای دینی می‌داند که توانسته است بر کشورهای دیگر تأثیر بگذارد:

انقلاب اسلامی با همهٔ انقلاب‌های دیگر متفاوت است... یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خودِ اسلام است. همان طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

رهبر انقلاب اسلامی معتقدند که با تکیه بر همین جنبه‌های معنوی و اسلامی انقلاب است که می‌توان به حیات طیبهٔ اسلامی که قرآن کریم وعده کرده است، رسید و آن را به عنوان الگویی برای کشورهای مسلمان ارائه کرد:

... انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید: «فَلنحیینه حیاة طیبه». این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است (مقام معظم رهبری: ۱۳۷۴/۰۷/۲۲). اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع‌تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبه اسلامی در کشور ما می‌تواند و می‌توانست و می‌تواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدمیم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره طیبه بکنیم؛ ما برای این آمدمیم. هدف، جز این چیز دیگری نبود (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۷/۰۶/۱۹).

۲-۳- حمید عنایت

حمید عنایت از متفکران ایرانی در اثری در زمینهٔ تحلیل انقلاب اسلامی ایران که اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رشته تحریر درآورده است، بر جنبهٔ معنوی و قدرت نرم انقلاب ایران تکیه می‌کند و اسلام و مذهب شیعه را تنها منبع اصلی تغذیهٔ انقلاب ایران می‌داند که به وسیلهٔ رهبری حضرت امام خمینی (ره) توانست خشونت را در جریان انقلاب به حداقل برساند و

گروه‌های مختلف را زیر چتر اسلام و با شعارهای ساده‌ای مانند «استقلال» آزادی جمهوری اسلامی» متحد کند(عنايت، ۱۳۷۷: ۵۱). او معتقد است اگر چه عوامل اقتصادی و سیاسی و همچنین استبداد داخلی و استعمار خارجی در پیروزی رساندن انقلاب ایران نقش داشته‌اند، اما آنچه انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌کند و وجه مشخصه این انقلاب است، تنها نقش دین است؛ او می‌نویسد: «من نقش مذهب را عنصر اصلی در کل مسأله انقلاب ایران می‌دانم» و یا «انقلاب ایران در جهت توسعه آگاهی مذهبی به‌وقوع پیوست که عمق وفاداری به مذهب شیعه را نمودار کرد. مذهب شیعه باعث شد تا انقلاب خصوصیات را پیدا کند که در میان انقلاب‌های هم عصرمان جایگاه ویژه‌ای - و نه منحصر به فرد - را پیدا کند»(عنايت، ۱۳۷۷: ۴۶).

۲-۴- میشل فوکو

ایدئولوژی اسلامی و حضور معنویت در سیاست چیزی نبود که تنها توسط رهبران انقلاب اسلامی و یا متفکران ایرانی مطرح شود؛ بلکه این مسأله از دید متفکران غربی نیز پوشیده نمانده است. میشل فوکو^۱، فیلسوف شهیر فرانسوی، یکی از این متفکران است که در ایام انقلاب در ایران به سر می‌برده است و برای نشریات معتبر فرانسوی مانند روزنامه لوموند مقاله می‌نوشته است. او با حضور در راهپیمایی‌های شهرهای تهران و اصفهان از نزدیک با مطالبات اصلی مردم ایران در انقلابشان آشنا می‌شود و به خوبی پیام انقلاب ایران را که اتفاقاً همان قدرت نرم این انقلاب را تشکیل می‌دهد، درمی‌یابد و از نظر او آن هم چیزی نبود جز حضور معنویت در سیاست که در مقالات مختلف خود بر آن به عنوان ویژگی منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران پای می‌فشارد. چیزی که تا آن زمان در دنیای سیاست چه در غرب و چه در شرق مشتری نداشت و از دیدگاه او این همان نوآوری انقلاب ایران است که آن را از سایر انقلاب‌های جهان متمایز ساخته است و عامل پیروزی این انقلاب را نیز در همین مسأله جستجو می‌کند که ایرانیان با انقلاب خویش به دنبال حضور معنویت در سیاست بودند و با اتکا بر همین قدرت معنوی اسلام و آیین‌های مذهبی و پیروی از رهبر افسانه‌ای خود، توانستند بر قدرت سخت و نظامی رژیم پهلوی مسلط شوند؛ نه تنها با تکیه بر ادوات پیش پا افتاده نظامی که توسط انقلابیون برای مقابله با ادوات پیشرفته نظامی حکومت به کار می‌گرفتند؛ از این روست که

1 - Michel Foucault

فوکو انقلاب ایران را انقلابی با دستهای خالی می نامد(فوکو، ۱۳۷۷: ۶۵). بنابراین، از نظر فوکو عامل پیروزی انقلاب ایران در بهره مندی انقلابیون از ادوات نظامی و قدرت سخت مترتب بر آن نیست؛ بلکه به خاطر اعتقاد رهبر و مردم این انقلاب به برتری قدرت نرم است که در اسلام و آموزه‌های شیعی خلاصه می شود. او در این رابطه در مقاله‌ای تحت عنوان «دین بر ضد شاه» می نویسد:

هویت واقعی خود را کجا باید سراغ گرفت؟ جز در این اسلامی که قرن‌ها پیش زندگی روزانه، پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی را با مراقبت تمام سامان داده است؟ اسلام این بخت را به سبب خشکی و بی تحرکی خود به دست نیاورده است(فوکو، ۱۳۷۷: ۲۷). در برابر قدرت‌های مستقر، تشیع پیروان خود را به نوعی بی‌قراری مدام مسلح می کند و در ایشان شوری می دمَد که هم سیاسی است و هم دینی... این مذهب تنها زبان ساده‌ای برای بیان آرزوهایی که الفاظ دیگری پیدا نکرده‌اند، نیست. بلکه چیزی است که در گذشته هم بارها بوده: شکلی است که مبارزه سیاسی، همین که لایه‌های مردمی را بسیج کند، به خود می گیرد و از هزاران ناخرسندی، نفرت، بی‌نوابی و سرخوردگی یک نیرو پدید می آورد(فوکو، ۱۳۷۷: ۳۰ - ۳۲).

در واقع، در دیدگاه فوکو منبع و منشأ اصلی جوشش قدرت نرم افزاری انقلاب ایران در اسلام خلاصه می شود که در عناصری مانند معنویت در سیاست، اندیشهٔ حکومت اسلامی، آموزه‌ها و آیین‌های مذهبی (مانند بهره برداری سیاسی از تشیع پیکر شهدا در تظاهرات ضد حکومتی و مراسم عزاداری امام حسین(ع) و هفتم و چهلم شهدا) و همچنین نهاد روحانیت و علما متجلی می شود و اسلام را تبدیل به دینی سیاسی می کند که به اعتقادات و آیین‌های مذهبی آن نیز رنگ و بوی سیاسی می دهد و در آن صورت دیانت و سیاستش می توانند در یک راستا قرار گیرند و معنای واحد دهند و حتی به تعبیر فوکو، قادر خواهند بود از مردگان‌شان و یا حتی بلاای طبیعی مانند زلزله به عنوان یک قدرت در جهت اهداف انقلابشان بهره برداری سیاسی کنند:

در بهشت زهرا که مردگان در دل خاک زیر قشر نازکی از سیمان خفته بودند و خانواده و دوستان کشته شدگان و مردم دیگر، هزار هزار می‌گریستند و دستها را به

سوی آسمان بلند نموده و دعا می‌کردند، از اوایل بعدازظهر برگرد عبا‌های سیاه و خاکستری ملاحا، بحث شروع شده و با چه حدتی، شاه باید سرنگون شود... آمریکا را باید بیرون کرد... تا پاسی از شب گذشته ادامه پیدا می‌کرد، برگرد روحانیون، به این شکل گروه‌هایی ساخته می‌شد، از هم می‌گسست و از نوگروه‌هایی دیگر تشکیل می‌گردید، تب سیاست مردگان را از یاد نبرده بود، بلکه خود مراسمی بود در خور این مردگان (نقل از خوشروزاده، ۱۸۷: ۱۳۸۲-۱۸۸).

«میشل فوکو» مطالبات مردم را آزادی، اما نه از نوع آزادی‌های غربی و آزادی امیال، به

تحلیل می‌گذارد و پیوند افسانه‌ای مردم با رهبری دینی خود را چنین بیان می‌کند: ایرانی‌ها هم، کمی مثل دانشجویان اروپایی دهه شصت، همه چیز را می‌خواهند اما این همه چیزی که می‌خواهند "آزادی امیال" نیست، بلکه آزادی از هر چیزی است که در کشورشان و در زندگی روزانه‌شان نشانه حضور قدرت‌های جهانی است و در واقع این احزاب سیاسی - لیبرال‌ها یا سوسیالیست‌های هوادار آمریکا یا مارکسیست‌ها - و حتی خود صحنه سیاست، به نظر ایشان هنوز کارگزار این قدرت‌ها هستند و همیشه بوده‌اند. و از این جاست که نقش شخصیت آیه الله خمینی که به مثابه اسطوره است، روشن می‌شود. امروز هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی حتی به پشتیبانی همه رسانه‌های کشورش نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند (فوکو، ۱۳۷۷: ۶۴).

در سطح خارجی، فوکو همین نسخه را به عنوان نیاز جهان غرب تهی شده از معنویت می‌پسند و معتقد است قدرت نرم این انقلاب در پیام معنوی آن نهفته است که به جهان مخابره می‌کند؛ جهانی که مادیت صرف آن را فرا گرفته است و سیاست آن به شدت از دین و معنویت خالی شده است؛ او معتقد است که در غرب از دوره رنسانس بدین سو اهمیت «معنویت سیاسی»^۱ نادیده گرفته شده است و نقش آن در شکل‌دهی و کنترل و نظارت بر حکومت و جامعه انسانی مغفول واقع شده است و می‌نویسد: «جستجوی آن چیزی است که ما غربی‌ها امکان آن را پس از رنسانس و بحران بزرگ مسیحیت از دست داده‌ایم» (فوکو، ۱۳۷۷: ۴۲). توجه فوکو به حضور معنویت سیاسی به تعبیر او در حوادث ایران از همین دغدغه او ناشی

1 -Political spirituality

می‌شود. از همین رو است که انقلاب ایران را روح جهان بی روح می‌داند (فوکو، ۱۳۷۹) و همین وجه از انقلاب ایران است که او را به شدت تحت تأثیر قرار داده است و آن چیزی نیست جز تلاش ایرانیان برای اینکه سیاست یک بعد معنوی پیدا کند و معنویت وارد زندگی سیاسی شود و زندگی سیاسی مانعی برای حضور معنویت در سیاست نباشد، بلکه به پرورشگاه و خمیر مایهٔ آن تبدیل شود (فوکو، ۱۳۷۹: ۴۰-۴۱).

۲-۵- حامد الگار

حامد الگار یکی دیگر از نظریه‌پردازان غربی است که نقش اسلام را عنصر کلیدی در انقلاب ایران می‌داند و می‌نویسد: «در حقیقت یکی از مهم‌ترین عواملی که انقلاب ایران را متفاوت از سایر انقلابات و تحولات قرن حاضر می‌سازد، ریشه‌های عمیقی است که این انقلاب در گذشته تاریخی ایران دوانده است... انقلاب اسلامی ایران تداوم اوج یک بخش پر اهمیت در میراث اسلامی ایران است (الگار، بی تا: ۱۳).

الگار معتقد است که انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیتی که دارد، تأثیر به‌سزایی در تحولات جهان اسلام دارد و آنها را به تحرک و داشته است و می‌نویسد: «تأثیر انقلاب ایران در ازنا و فراخوانی جهان اسلام از مغرب تا اندونزی، از بسونیا در قلب اروپا تا اعماق آفریقا به طرق و درجات مختلف متجلی شده است» (الگار، بی تا: ۱۲) و معتقد است با توجه به ماهیت اسلامی این انقلاب به هیچ وجه نمی‌توان آن را در چارچوب مرزهای داخلی آن محصور کرد (همان). او با توجه به روند بسیج سیاسی و شعارهای مردم در انقلاب ماهیت اسلامی و فرهنگی آن را این‌گونه اذعان می‌کند:

انقلاب سال ۷۹-۱۹۷۸ ایران جوهری کاملاً اسلامی داشت و مشارکت عناصر غیرمذهبی در آن کاملاً حاشیه‌ای بود... شعارهایی که در تظاهرات گسترده مردم داده می‌شد، عمدتاً اسلامی بود و سلاح انقلابیون تا آخرین مرحله، نمازجماعت شهادت بود و روزهای مهم مذهبی به خصوص روزهای ماه محرم، حرکت انقلاب را به جلو مشخص می‌کرد و توجه به نقش مساجد نیز بسیار مهم است زیرا واحد سازمانی انقلاب را فراهم آوردند (الگار، ۱۳۷۵: ۳۲۲).

بدون شک، انقلاب ایران این قدرت معنویت در سیاست را که رهبران ایران و اندیشمندان داخلی و خارجی به آن اشاره دارند را از قدرت اسلام به ارث برده است که یک منبع لایزال الهی

است که برای همهٔ مسلمانان به عنوان یک چشمهٔ جوشان عمل خواهد کرد و واضح است که این چشمهٔ زلال ابتدا برای معتقدان به این مکتب الهی کارساز است که می‌تواند مورد استفادهٔ کشورهای مسلمان قرار گیرد و در وهلهٔ بعد می‌تواند پیام و روح آن برای کشورهای غربی و کشورهایی که به خداوند یکتا ایمان دارند، مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا خداوند در قرآن کریم خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سوا بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لانشک به شیئا و لایتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله ...» «ای اهل کتاب بیائید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم (و آن کلمه این است) که بجز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی، برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم...» (آل عمران: ۶۴).

از میان اندیشمندان مختلف داخلی و خارجی، افراد دیگری هستند که انقلاب ایران را یک انقلاب معنوی می‌دانند که می‌تواند به عنوان یک قدرت نرم منبع الهام بخش نهضت‌های اسلامی و کشورهای مسلمان باشد، کسانی نظیر مایکل فیشر، کلیم صدیقی (صدیقی، ۱۳۷۵) لیویه روا (روا، ۱۳۷۹)، تدا اسکاچپول (اسکاچپول، ۱۳۸۲: ۱۳۲)، یان ریچارد افزون بر نویسندگان ایرانی مانند منوچهر محمدی (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۸۵، ۱۳۷۴) عباسعلی عمید زنجانی (عمید زنجانی، ۱۳۶۷) لیلی عشقی (عشقی، ۱۳۷۹) افسانهٔ نجم آبادی (نجم آبادی، ۱۳۷۷) پوپک طاعتی (طاعتی، ۱۳۷۵) در آثار خود در بارهٔ انقلاب اسلامی چنین رویکردی دارند که به جهت رعایت اختصار از ذکر نظرات آنها خودداری می‌کنیم.

۳- آگاهی بخشی شیوهٔ انتقال قدرت نرم انقلاب ایران به جهان اسلام

قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران را می‌توان به واسطهٔ آگاهی بخشی و عنصر دعوت اسلامی به دیگر کشورهای مسلمان رساند. اساساً دستاوردها، آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب با استفاده از ابزار تبلیغ به گوش جهانیان می‌رسد. از این رو، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و رهبران جمهوری اسلامی جهت انعکاس واقعیت‌ها و ارزش‌های انقلاب به جهان سعی کرده‌اند از این ابزار به خوبی استفاده کنند. امام خمینی (ره) در خصوص اهمیت استفاده از تبلیغات برای صدور فرهنگی انقلاب چنین می‌فرماید:

ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آنکه ما می‌توانیم این است که می‌توانیم به وسیلهٔ دستگاه‌هایی که داریم، به وسیلهٔ همین صدا و سیما، به وسیلهٔ مطبوعات، به وسیلهٔ گروه‌هایی که به خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد بود (صحیفهٔ نور، ج ۱۸، ۲۴۳).

رهبر معظم انقلاب، آیت الله خامنه‌ای، در خصوص ابزارها و شیوه‌های انتقال پیام انقلاب اسلامی به جهانیان چنین تأکید می‌کنند:

انقلاب اسلامی و نظام اسلامی، مفاهیم بکر و تازه‌ای در دنیا دارد، مفاهیمی دارد که اگر چه مشترکاتی با دنیا دارد، اما اختصاصاتی دارد که این را از شبیه خودش در مکاتب گوناگون و جریان‌های فکری و نحله‌های فکری دنیا جدا می‌کند؛ باید آن را دریاوریم و پایش هم بایستیم و بیان کنیم (بیانات مقام معظم رهبری، مورخ ۸۰/۱۱/۱۷).

همچنین، باید با استفادهٔ درست از دیپلماسی عمومی و بهره‌گیری صحیح از امکانات وزارت خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهادهای فرهنگی مانند حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌هایی که دانشجوی خارجی می‌پذیرند و حتی با استفادهٔ صحیح از کاروانهای ورزشی در جهت ترویج قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران به جهان اسلام همت گذاشت.

۴- نقش قدرت نرم اسلام در خیزش‌های مردمی خاورمیانه

در خصوص بررسی ماهیت و چرایی بروز و ظهور خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر قدرت نرم باید گفت که بسیاری از تحلیل‌گران این خیزش‌ها را ناشی از نفوذ قدرت نرم انقلاب ایران در این مناطق می‌دانند؛ زیرا موتور محرک خیزش‌های مردمی خاورمیانه را در احیای ارزش‌های اسلامی جستجو می‌کنند که ریشه در قدرت نرم مکتب اسلام، شریعت و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) دارد که بر گسترش و تعمیق اندیشه مقاومت در برابر استکبار تأکید فراوان دارد.

تشابه برخی خواسته‌های معترضان انقلاب‌های عربی در مصر و تونس و یمن و بحرین با ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران و از طرفی ماهیت نظام استبدادی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و نظام شاهنشاهی پهلوی، تداعی کننده الگوپذیری معترضان از مدل انقلاب اسلامی ایران شده و آن را بازخورد قدرت نرم انقلاب ایران در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارزیابی می‌کنند. برای مثال برخی پیروان این رویکرد، حمله معترضان مصری به سفارت اسرائیل در نهم سپتامبر ۲۰۱۱ و فرار سفیر رژیم صهیونیستی را در راستای الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و تکرار حماسه سیزده آبان ۱۳۵۸ ارزیابی می‌کنند که در آن معترضان به صورت خودجوش و در راستای تکلیف‌گرایی به سمت مقابله با رژیم صهیونیستی کانالیزه می‌شدند. اگر ریشه و ماهیت تحولات خاورمیانه را ناشی از قدرت نرم آموزه‌های دینی و انقلاب اسلامی بدانیم، در آن صورت بر محورهای ذیل به عنوان دستاورد قدرت نرم انقلاب ایران باید تأکید نمود:

الف) خود باوری و احیای اندیشه مقاومت، مهم‌ترین دستاورد این خیزش‌ها می‌باشد که از آن با عنوان «بیداری اسلامی» یاد می‌شود. اساساً هر ساختار و جریانی که بر اساس آموزه‌های مقاومت اسلامی شکل گرفته و قوام یافته، چالش‌های جدی را در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های سلطه‌گر به وجود آورده و از مصادیق آن به دستاوردهای جنبش مقاومت حزب الله یا جنبش مقاومت حماس در جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه با اسرائیل می‌توان اشاره کرد.

ب) به نظر می‌رسد روند تحولات بیداری اسلامی در منطقه با تحقق خاورمیانه اسلامی به پیش رود. پیش‌بینی شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی بر اساس قدرت نرم آموزه‌های دینی برای اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شد. ایشان در دیدار با شرکت‌کنندگان افتتاحیه همایش غزه فرمودند: «شکی نیست که براساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت. این خاورمیانه، خاورمیانه اسلامی خواهد بود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۸).

ج) افزایش اهمیت جغرافیای سیاسی شیعه در معادلات امنیتی - سیاسی خاورمیانه از دیگر نتایج این تحولات است. در همین راستا، مخازن فکری آمریکا از سال‌ها قبل سناریوهای

جغرافیای سیاسی شیعه را به عنوان یکی از اولویت‌های مطالعاتی خود تعریف کرده‌اند. برای مثال، مرکز پژوهشی «شورای روابط خارجی»^۱ که اثرگذاری قابل توجهی بر کانون‌های قدرت و ساختارهای حاکمیتی دارد، در پنجم ژوئن ۲۰۰۶ میزگردی را با عنوان «بررسی هلال شیعه: آثار آن بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا» به ریاست «ریچارد هاس»^۲ برگزار و تصریح کرد جغرافیای سیاسی شیعه در خاورمیانه، پتانسیل بالایی برای شکل‌گیری برخی خیزش‌های دموکراتیک در میان مدت دارد که در برخی حوزه‌ها، اصطکاک‌هایی را با منافع خاورمیانه‌ای آمریکا دارد.^۳ از منظر ریچارد هاس آینده تحولات خاورمیانه حوزه رقابت قدرت نرم آموزه‌های دین اسلام و قدرت نرمی است که جوزف نای بر آن تأکید می‌نمود که مبتنی بر فرهنگ لیبرال دموکراسی است، اما این بار این قدرت در خاورمیانهٔ اسلامی بر اساس قدرت نرم اسلام و انقلاب ایران در حال شکل‌گیری است.

این بیان یادآور سخنی است که بیش از بیست سال پیش «دانیل پایپس»^۴ رئیس انستیتوی پژوهش‌های سیاست خارجی آمریکا، در سمیناری که در پاییز ۱۳۶۸ در شهر استانبول ترکیه برگزار شده بود، از وحشت غرب از تجدید حیات اسلام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، و سرایت آن به سایر ملل مسلمان اینگونه بیان کرده بود:

آمریکا نخواهد توانست با مسلمانها سازش کند؛ زیرا آنها نه تنها قصد دارند ما را به لحاظ نظامی از خاورمیانه بیرون برانند، بلکه از جهت فرهنگی نیز چنین قصدی دارند... ما نمی‌توانیم با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشیم، زیرا ما با آیت‌الله خمینی هیچ نقطه مشترکی نداریم... ما تا ده سال پیش حساسیت خاصی نسبت به اسلام نداشتیم، اما امروز این طور نیست و همه ما نسبت به این پدیده جدید در ایران و برخی از کشورهای دیگر باید با حساسیت بیشتری برخورد کنیم. امروز مسلمانان به ایران نظر دارند و از آن الگوبرداری می‌کنند. امروز ایران به مثابهٔ یک آزمایشگاه است؛ اگر این تجربه موفق شود، جسارت مسلمانان کشورهای دیگر هم بیشتر خواهد شد... مسلمانان

1 Council on Foreign Relations

2 Richard N. Hass

۳ - برای مشاهده متن کامل میزگرد به نشانی اینترنتی مرکز پژوهشی شورای روابط خارجی آمریکا رجوع شود:

The Emerging Shia Crescent Symposium: Implications for U.S. Policy in the Middle East, <http://www.cfr.org/>, June 5, 2006

4 - Daniel Pipes

دنبال این هستند که اسلام را به عنوان یک مکتب کامل ارائه نمایند، اما برای ما قابل تحمل نیست (مجله ۱۵ خرداد، ۱۳۶۹: ۵).

د) دستاورد دیگر تجلی قیام‌های مردمی منطقه، فروپاشی نظام‌های سلطنتی و سنتی اکثر کشورهای عرب منطقه خواهد بود و در میان مدت، سیر تحولات به سمت استقرار نظم جدیدی مبتنی بر نظام مردم سالاری دینی یا افزایش تمکین دولتمردان به حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان متمایل خواهد شد؛ به عبارتی، ساختار سیاسی خاورمیانه از لحاظ ماهوی و نوع بازیگران به سمت تحول بنیانی در حرکت است؛ امری که بخشی از آن الهام گرفته از قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است.

نتیجه‌گیری

به اعتراف اکثر نویسندگان داخلی و خارجی، ویژگی بارز انقلاب اسلامی ایران وجه فرهنگی آن است. بستر قدرت نرم در سیاست خارجی نیز بر محور فرهنگ استوار است که در قالب دیپلماسی عمومی می‌توان از آن به عنوان صدور فرهنگی انقلاب یاد کرد. منظور از صدور فرهنگی انقلاب، بهره‌گیری از قدرت نرم جهت تأثیرگذاری بر دیگران بدون استفاده از عناصر فیزیکی و زور است؛ به گونه‌ای که بتوان بر افکار و عمل آنها اثر گذاشت و آنها را به انجام اعمالی مشابه آنچه که در کشوری که در آن انقلاب شده است وادار ساخت. این چارچوب به عنوان مبنای نظری این مقاله انتخاب شده است. ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران که خصلتی فراملی دارد و زبان مشترک ارتباط با کشورهای مسلمان است، به همراه حضور معنویت در سیاست که به وسیله انقلاب دینی امام خمینی وارد ادبیات سیاسی شد و توانست در عرض مدت کوتاهی علم سیاست مبتنی بر حضور عناصر مادی در سیاست غربیها را به چالش بکشد، عناصری هستند که می‌توانند به عنوان دو منبع اصلی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌های اسلامی منطقه مورد استفاده و باز خوانی مجدد قرار گیرند. این جنبه از قدرت نرم انقلاب ایران را می‌توان در سخنان و رهنمودهای بینانگذار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای یافت. همچنین، نویسندگان مختلف داخلی و خارجی از جمله منوچهر محمدی، حمید عنایت، میشل فوکو و حامد الگار در آثار خود بر

این جنبه از ویژگی‌های انقلاب ایران به عنوان وجه متمایز کنندهٔ این انقلاب از سایر انقلاب‌ها تأکید کرده اند که در متن مقاله به آنها پرداخته شد. به نظر می‌رسد که جنبش‌های بیداری اسلامی کشورهای منطقه توانسته‌اند از این منابع به مقتضای شرایط جدیدی که در آن به سر می‌برند، بازخوانی جدیدی داشته باشند و همان راه و ابزارهای مورد استفاده در انقلاب ایران را بومی کرده و مجدداً تکرار کنند. این همان قدرت نرم انقلاب ایران است که آرمانها و اهداف آن بدون حضور فیزیکی در این انقلابها به وسیلهٔ انقلابیون این کشورها به کار گرفته می‌شوند و در این مقاله سعی شد بر اساس الگوی نظری صدور فرهنگی انقلاب توضیح داده شوند.

Archive of SID

منابع

۱. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج ۱۱ و ۱۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. اسپوزیتو، جان (۱۳۷۸)، انقلاب ایران چشم اندازی ده ساله، ترجمه نورالله قیصری، نامه پژوهش، شماره ۱۲ و ۱۳ بهار و تابستان.
۳. اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۴. اسکاچ پل، تدا (۱۳۸۲)، دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران، ترجمه محمدتقی و افروز، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹، بهار .
۵. ----- (۱۳۸۶)، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه سیدمجید روئین تن، تهران، سروش.
۶. افتخاری، اصغر (۱۳۷۷)، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در گستره جهانی، نامه پژوهش، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان.
۷. الگار، حامد (۱۳۷۵)، «نیروهای مذهبی در ایران قرن بیستم» در سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
۸. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۸، بهار.
۹. بوت، جان. ای (۱۳۷۳)، نظریه های مذهب و قیام، تجربه آمریکای مرکزی ترجمه حمیرا مشیرزاده، سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۲ تابستان و پاییز .
۱۰. جعفر خوشروزاده (۱۳۸۲)، میشل فوکو و انقلاب اسلامی؛ رویکردی فرهنگی از منظر چهره های قدرت، اندیشه انقلاب اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۷ و ۸.
۱۱. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۱)، بازتابهای انقلاب اسلامی ایران در رویکرد نظر، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. اسپوزیتو، جان و پیسکاوری (۱۳۷۸)، تأثیر جهانی انقلاب ایران نمای سیاسی آ»، ترجمه حسین آقازاده، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲، تابستان.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی جولان و رادفر (۱۳۸۹)، الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۱۴. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)، ایدئولوژی و جهان بینی ایرانی: صدور فرهنگی انقلاب در کتاب: فرهنگ رجایی، معرکه جهان بینی ها: در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران، شرکت احیای کتاب.

۱۵. رضائی، روح الله (۱۳۷۸)، صدور انقلاب ایران: سیاستها، اهداف و ابزار، پژوهشنامهٔ انقلاب اسلامی، شمارهٔ ۲، تابستان.
۱۶. روا، اولیویه (۱۳۷۹)، تجربهٔ اسلام سیاسی، ترجمهٔ محسن مدیر شانه چی و حسن مطیعی امین، ج ۱، تهران، انتشارات الهدی.
۱۷. شجاعیان، محمد (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. صدیقی، کلیم (۱۳۷۵)، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۹. طاعتی، پوپک (۱۳۷۵)، «انقلاب اسلامی ایران: یک تحلیل اجتماعی - فرهنگی، فصلنامه راهبرد، ش ۹، بهار.
۲۰. عشقی، لیلی (۱۳۷۹)، زمانی غیر از زمانها، ترجمهٔ احمد نقیب زاده، انتشارات باز.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی.
۲۲. عنایت، حمید (۱۳۷۷)، انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی ترجمه امیرسعید الهی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شمارهٔ ۱۳۷-۱۳۸.
۲۳. فرهی، فریده (۱۳۷۵)، فروپاشی دولت و انقلاب‌های شهری تحلیلی تطبیقی از انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه، فصلنامه راهبرد، ش ۱۰، تابستان.
۲۴. فلاح نژاد، علی (۱۳۸۴)، انقلاب اسلامی ایران و سیاست صدور انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
۲۵. فورن، جان (۱۳۸۴)، نظریه‌پردازی انقلاب‌ها، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۲۶. فوکو، میشل (۱۳۷۷)، ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟ میشل فوکو، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، نشر هرمس.
۲۷. ----- (۱۳۷۹)، ایران: روح یک جهان بی‌روح، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
۲۸. گلدستون، جک (۱۳۸۵)، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمهٔ محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.
۲۹. مجله ۱۵ خرداد (۱۳۶۹)، تهران، شماره صفر، دی ماه.
۳۰. مجموعه بیانات رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سایت khamenei.ir
۳۱. محمدی، منوچهر (۱۳۹۰)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، انتشارات امیر کبیر.

۳۲. ----- (۱۳۷۴)، انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، تهران.
۳۳. ----- (۱۳۸۵)، بازتاب جهانی انقلاب ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۴. معدل، منصور (۱۳۸۲)، طبقه سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران، ترجمه محمد سالار کسرای، تهران، انتشارات باز.
۳۵. ----- (۱۳۷۷)، نظریه‌های انقلاب، کوشش برای تطبیق با انقلاب اسلامی ترجمه محمد سالار کسرای، فصلنامه متین، ش ۱، زمستان.
۳۶. نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳۷. نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۷۷)، پژوهشنامه متین، ش ۱، زمستان.

Archive of SID